

جریان هوا، و موسیقی باد هراس‌انگیز و دلهره‌آور است.

انسان ابتدا می‌خواهد از آن مکان به سرعت بگریزد اما چشم‌اندازهایی چون علم‌کوه، تخت سلیمان، آزادکوه، دماوند، خلنو در شرق و شاه‌البرز، سات، سیالان، خشه‌چال و نمای کوچکی از درفک در غرب، انسان را ناخواسته محسور و مجذوب می‌سازد. برای رسیدن به این مکان باید از میان خارستانی گذشت که نوک هر خار آن نشان از کف پایی دارد. نیش و نوش اگر چه آزار دهنده، اما مطبوع و خوشایند است.

جمال کعبه چنان می‌دواندم به نشاط که خارهای مغیلان چو پرنیان مانند

افلاطون مدعی بود عالم محسوس همه‌ی عالم وجود نیست و عالم دیگری وجود دارد که حقایق اشیاء، که ما با حواس خود جز سایه‌هایی از آن را در این عالم درک نمی‌کنیم، در آنجا قرار دارد (عالم مُثُل (platonian-idea). پلاتونیک آیدیا در فرهنگ باستانی ما ایرانیان کوهستان بوده است. بدین سان هر کوه‌نورد با حضور در کوه احساس قربت و نزدیکی با آن مکان دارد، و اگرچه آن مکان ابتدا ناآشنا و بیگانه به نظر می‌رسد اما گویی سال‌ها در آنجا زیسته است. □

به یاد ناصر خوشه چین

بُهِت و تاسفی که مرگ ناصر خوشه‌چین در میان

کوه‌نوردان ایجاد کرد، و شرکت گسترده‌ی مردم

مراسم تشییع جنازه و یادبود و بزرگداشت در پای کوه

کول جنون و پناهگاه آن در جامعه‌ی کوه‌نوردی

کم سابقه بوده است؛ چرا؟ اگر شنیده‌ها و دیده‌هایمان

را در مراسم مذکور با خاطره‌ی برنامه‌هایی که با او

انجام داده‌ایم، در ترازوی تفکر و تعمق جمع کنیم و

بسنجیم، مطالب احساساتی و مطابق مجلس به هم بافته شده را دور بریزیم، و از مرده‌پرستی‌ها بپرهیزیم، و خود را

از تارهای دوستی‌ها و دشمنی‌های غیرمنطقی برهانیم، شاید بتوانیم علل این محبوبیت عظیم را بیابیم و چراغی

فراراه خود و دیگران قرار دهیم.

اولین چیزی که در ناصر می‌دیدیم خنده‌ی بی‌ریا و ساده‌ای بود که در پشت خود دقت و توجهی پنهان داشت،

و سادگی و بی‌پیرایگی این خنده انسان را جلب می‌کرد و حس اعتماد و دوستی ایجاد می‌نمود. آشنایی بیشتر با او

نشان می‌داد که این سادگی، عمیق و باطنی است و ناصر اهل دروغ و ریا نیست؛ شاید به این علت که اهل بزرگ

نمایی و ریاست طلبی نبود.

زمانی به او گفتم: چرا وارد فلان تشکیلات نمی‌شوی؟ گفت: فلانی می‌خواهد خودش را مطرح کند و احترام

بخرد. این جواب مختصر و ساده چون چراغی محیط را برایم روشن کرد.

فریدون اسماعیل‌زاده

سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز

مرده آن است که نامش به نکویی نبرند